

بازسازی واژه گان یا نیولوجیزم در زبان پشتو

پشتو سیندگی

نویزونه Neologism

نگاه گر:

صدیق رهپو طری

آقای پروفیسر داکتر مجاور احمد زیار، دوستی هست که پس از خروج از زندان پلچرخي در سال ۱۹۸۰، برای بار اول با او در دفتر روزنامه حقیقت انقلاب ثور، که از سوی وزارت اطلاعات و کلتور، به دست نشر می رسید، آشنا شدم.

پس از آن با وجود فراز و نشیب های گونه گونی که در سر راه ما رخداد، با گذشت هر روز، پیوند نزدیک تر یافتیم. او در پایان ماه می ۲۰۱۶، برای دنبال نمودن، کاوش های زبانشناسانه اش، به گت تینگن، جرمنی شهری که ما در آن زنده گی می نمایم، آمدند.

شبی با هم بودیم. فردایش برای این امر به کتابخانه سترگ دانشگاه شهر، بخش شرقشناسی اش سری زدیم و او به دنبال کتابی که داکتر دیوید مکنزی آریانشناس معروف انگلستان، ویژه شناس زبان های پهلوی، خوارزمی، پشتو و کردی در زمینه زبان های حوزه ما به ویژه پشتو، از خود به حیث یک ارضیه بزرگ برسرگانه در این بخش به جای مانده بود، به جستجو برآمدند.

کوتاه این که او در خط همان دوستی دیرینه یی که با من دارد، کتاب پشتو سیندگی نویزونه یا بازسازی واژگان، در بحر زبان پشتو، که به تازه گی به دست نشر سپرده بود، تحفه داد. من نیاز دارم تا در این جا از این همه بزرگ مهربانی شان، با تمام وجودم سپاس نمایم.

من در نظر داشتم تا در فرصتی که به دست می دهد، به معرفی این اثر - با تمام تنگنای توانی که دارم - دست بزنم. از تصادف روزگار که در برکه چهره نما، بحثی بر مساله کار بازسازی واژه گان زبان پشتو، میان من و دوستان دیگر در گرفت.

من در این گفت و گو، استدلال نمودم که داکتر زیار، یگانه زبانشناس کشور، پس از بازگشت از آموزش زبانشناسی از سویس و دنبال نمودن این کار در میدان عمل، دست به نو آوری هایی زده هست که در اول ها، از سوی سنتگرایان و کهنه پرستان که در پشتو تولنه گرد آمده بودند، به شدت زیر رگبار توپخانه مخالفت قرار گرفت. اما، او با دستمایه بزرگ زبانشناسانه که داشت، لحظه یی پس نرفت و عقب ننشست و به نبردش در این راستا، با توان بالایی ادامه داد. همان بود که آرام آرام نواژه گان، از نوک قلم نویسنده گان نوگرا، جاری شدند و راه شان را به رسانه های گروهی هم باز نمودند.

در همین گفت و گو، آقای اسراییل رویا، هنرمند به نام کشور، پرسشی را از نمونه های این نواژه گان، به میان کشید. من در همان جا به یکی دو نمونه که در ذهنم در همان زمان حضور داشتند، پرداختم. اما، این امر سبب شد

تا هر چی زودتر - با وجود گرفتاری زیاد - به معرفی این اثر - در چارچوب توان کم مایه ام - بپردازم. آقای داکتر زیار در پیشگفتار این اثر، به روشنی بیان می‌دارد که پیش از دهه شصت عیسایی، به رویا، خیال و حتا ارواح کسی این امر راه نمی‌یافت که نام‌های هفته‌مانند: شنبه، یکشنبه و دیگر و دیگر، به زبان پشتو، با آن که در زبان گفتاری برابر نهاد‌هایی از گذشته‌های دور وجود داشتند، به زبان نوشتاری - ادبی راه باز نمایند.

در این بحر دوازده سال پیش، در چاپ اول این اثر، گروهی از واژه‌گان نو راه یافتند. در این مدت در برابر حضور پیشین گروهی از بنیادگرایان و کهنه‌گرایان، موج جدیدی از نوگرایان و عاشقان زبان پشتو، خیزآب‌هایی در وجود چاپ و نشر اثر‌های نو، به وجود آوردند که دیگر موج شکن‌های کهنه‌گرایان و یاران‌شان، تاب مقاومت را از دست دادند.

گروهی از نوگرایان و جدیدنگران، به این نتیجه روشن دست یافتند که در سطح کشور و جهان، زبان پشتو با رقابت گلوپاره کن، با دیگر زبان‌های همدریف، به ویژه پارسی، تنها و تنها زمانی می‌تواند مقاومت و پایداری نماید که در آن یگانگی نوشتاری و معیاری، به ویژه در میدان‌های اندیشه‌یی در جال جهانی آگاهی (انترنت)، رخ نماید.

از سوی دیگر، موج‌های توفنده یورش فرهنگی را نمی‌توان جز به وسیله کار در خط ساخت بازسازی نو واژه‌گانی، بر گرفته از دانش زبان‌شناسی، پس زد و فرهنگ خویش را که واژه‌گان، بیان‌تأمینمای آن هستند، گسترش داد و به آن غنا بخشید.

این تنها آقای منصور انصاری نبود که در چوکات تنگ و ترش سرکاری، بر اساس خواست و فرمایش شرکت میکروسافت، نرم افزار ذره‌یی، زبان جنگزده و فرورفته در چنگال جهالت پشتو را وارد میدان دنیای نو ساخت. در این راستا آدمان دیگری، در رشته‌های ویژه‌مانند: اندامشناسی، طبی و اقتصاد و ده‌های رسته دیگر، مفهوم‌ها و اصطلاح‌های نوی را سر و سامان دادند.

به این گونه دریا‌های کوچک کوچک و حتا جوی‌های کم‌ژرفا، خُرد و ریزه، با هم درهم آمیختند و قطره قطره بحر واژه‌گان نو را پُر آب نمودند. هنوز هم این تالاب به باران‌های تازه برای این که به گندآب، بدل نگردد، نیاز دارد. امیدوارم تا دریا‌های کوچک و خُرد دیگر در پایان روز با هم یک جا شده و بحر بزرگ تر واژگان نو را سیراب نمایند.

داکتر زیار به این باور هست، . . . من در این راه خلاق به هیچ صورت سر آن ندارم که بگویم دیگران چرا دریا‌های خُرد و ریزه و حتا جویک‌های جداگانه‌یی را با بازسازی نواژه‌گان، حتا، مملو از لاش و لوش، به راه می‌اندازند. بگذار تا این سیلاب با همه خس و خاشاکش به راه بیافتد تا در پایان کار، آب زلال واژه‌گان راستین پشتو، کام تشنگان این فرهنگ و زبان را سیراب نماید. . .

این امر را باید یادآور شد که داکتر زیار در پرتو زبان‌شناسی، از چار صورت برای نوسازی واژه‌گان بهره گرفته هست و آن‌ها سر و سامان داده است:

۱- بخش واژه‌گان کهن.

۲- گزینشی: با کارگیری واژه‌های زنده و نیم‌زنده گویشی.

۳- ترکیب‌ها.

۴- وامواژه‌گان.

در این مورد باید به روشنی گفت که وامواژه‌گان را نباید به شکل و حتا تلفظ اصلی نوشت و به کار برد، بل به

ترین شیوه این هست که همان تلفظی را به کار بست که در زبان مردم جاری هست. مانند: مانا، به جای معنی یا معنا، سهی به جای صحیح، زات به جای ذات، اروا به جای ارواح، توپان به جای طوفان و دیگر و دیگر... یادداشت: برای من این امر به شدت شگفت زده گی هست که چرا در زبان پارسی این کار را نمی توان انجام داد و به آن به حیث یک تابو نگاه نمود. مانند: سل و سلا، به جای صلح و صلاح، سانیه به جای ثانیه و ترد به طرد، صابون به جای صابون و دیگر و دیگر...

در این مورد داستانی به یادم آمد که در مسجدی، ملا به طلبه گان، املا می گفت. در این امر واژه صابون نیز راه پیدا نمود. ملا پس از آن که شاگردان کار را پایان دادند، او به بررسی نوشته ها پرداخت. یکی از طلبه گان، صابون را به سهین به شکل صابون نوشته بود. ملا در حالی که از ناراحتی و غضب، ریش بزکی اش می لرزید، و شاگرد را به جرم این اشتباه، فلکه برداشت، گفت که باید آن را با ص. نوشته می کرد. طلبه که هنوز از درد پای می نالید، به سادگی پرسید: ملا سایب، اگر صابون به سهین به گونه صابون نوشته شود، کف نمی دهد؟ ملا که از درون می خندید، با لحن پُر غضب تر، گفت که باز دلت لت می خواهد!

این کتاب، دارای ۴۶۴ روی هست که در هر روی کم از کم ۱۵ واژه نو و ترکیب هایش جای داده شده است. به این گونه، نزدیک به هفت تا هشت هزار واژه نوی پشتو با برابر نهاد های پارسی، انگلیسی، در برخی مورد ها عربی و اردو، در این اثر راه باز نموده اند.

تا جایی که من می دانم، این واژه گان با تمام مقاومتی که کهنه گرایان و سنتپرستان در این خط انجام داده و هم اکنون هم می دهند، در هر جایی که گوینده گانی به زبان پشتو، وجود دارند، بر زبان شان این واژه گان نو، جاری می گردند. برخی از رسانه های معتبر جهان مانند برنامه پشتوی بی بی سی، بدون سد و مانع این واژه گان نو را به کار می برند. آنان هرگاه با مشکل برابر نهاد ها رو به رو می شوند، به آقای زیار که در اکسفورد زنده گی می نماید، مراجعه نموده و جویای یاری می شوند.

آقای داکتر زیار، در جریان مقایسه زبان پشتو، در رقابت با دیگر زبان ها، چنین می نویسد، این را فراموش نباید نمود که در این خط رقابت، به ویژه با نزدیک ترین زبان خویشاوند، یعنی پارسی، به شمول گونه یی از زبان پارسی دری افغانی که پشتوانه بس نیرومندی در آن سوی مرز، ایران، دارد، هرگز قابل مقایسه شده نمی تواند. شما، میلیونها دانشواژه هایی را که در آن جا در بیش از ۸۰ سال از سوی فرهنگستان ها، سایر کانون های علمی و فنی، به شمول دانشگاهها بازسازی شده اند، نگاه نمایید،

این امر در حالی جریان دارد که داکتر مجاور احمد زیار، در چهارچوب دانشگاه کابل و ننگرهار و زیار اکادمی، در درازای ۴۵، سال با یاری گروهی از نویسندگان نو پرداز دیگر، تا اکنون به تعداد همین ۷ تا ۸، هزار واژه سر و سامان داده هست، که شامل این واژه نامه می باشد. او هم چنان در چوکات شعبه انترنیتی وزارت مخابرات یا تیلی کمونیکشن افغانستان، توانسته هست تا ۳ هزار واژه دیگر را باز سازی نماید.

این را نباید نادیده گرفت که شیوه کار در این اثر، بر اساس تمام سنجه ها و معیار واژه نامه های مدرن، سر و سامان داده شده است. اما، نکته به شدت جالب برای من این هست که برای تلفظ دقیق هر واژه، از الفبای فونوتیک مانند اتل **Atal** بهره گرفته شده است. او این کار را به رسم کهن که از شیوه کاربرد زیر، زیر و پیش، مانند برخی از واژه نامه های قدیم پارسی و پشتو، کار گرفته می شد، به پیش نمی برد. زیرا با آن شیوه نمی توان آوای درست واژه را دریافت.

او در کنار این امر، برای شرح هر واژه معنای های متعدد به زبان پشتو، پارسی و انگلیسی و حتا کار بردش را در

ساحه های مختلف آورده است. مانند همان اتل به زبان پشتو: میره، د میرانی سشتن، به پارسی: قهرمان، راد مرد، ایر مرد، به انگلیسی: **champion, hero, generous** آورده هست. هم چنان نشان داده هست که این واژه در بخش های گونه گون مانند: ورزش، درام، فیلم، داستان و ... چی گونه کار برد ویژه بی دارد. یعنی در ورزش، همان شامپیون، در نمایشنامه و فیلم همان هیرو و در داستان همان : سخاوتمند، دست و دل باز، گشاده دست، بزرگواری و بلند نظر و زیاد یا فراوان. من در این جا از هر حرف، یک نمونه برای روشن شدن حضور این واژه گان نو آورده ام. این را باید مشت، نمونه خروار دانست.

الفبا در زبان پشتو ابسی خ

در پارسی الف، بی، پی... در عربی همان ابجد. یادداشت: در بخش لاتین از خط آوانگاری، سیستمی که داکتر زیار، در ثبت و گردآوری بیش از یکصد گویش زبان های کشور ما، که در بالا ترین بخش این سیاهه، زبان های پشتو و پارسی دری، قرار دارند، زیر نظر آریانشناسان اروپایی در پروژه اطلس (نقشه) زبانشناسی افغانستان به کار گرفته بود، بهره گرفته هست. این خط آوانگاری نشانه های ویژه بی دارد.

من تلاش نمودم تا در درج واژه گان پشتو از حرف هایی با نشانه های پشتو که آن را دارم، بهره بگیرم. اما، هنگام ترکیب، حال و هوای جدایی دارند. از این رو در آغاز همان حرف را با نشانه اش آورده ام. در بخش خط آوانگاری نیز، کمپیوتر لنگی نشان داد. من از هر حرف الفبا، یک نمونه آورده ام و بس تا به شیوه کار آقای داکتر زیار، آشنا گردید. امیدوارم این اثر در کنار دیگر واژه نامه ها، روی میز کار، در نزدیک تان قرار بگیرد. به این امید.

الف (alef)

آر **ar**: (پ) بنست، اصلی، رشتنی، (عربی) معیار، قاعده (پارسی) شالوده، بنیاد، بنیان، اصل، اصیل، راستین (انگلیسی) **base, basis, origin, principle**. توجه: از این پس برای نشان دادن زبان ها، تنها از پ، ع و پا، کار می گیرم.

انگازه **angaza**: پ: آزانگه، غبرگون، چارانگ، پا: پژواک، بازتاب. ع: انعکاس، عکس العمل، اردو: رد عمل. **reaction.**

ب (بی) (be)

بامنه **bamona**: پالنه، پیلور. پا: نوازش.

پ (Pay)

پایله **pay-la**: روستاری، پا: پایزیب، نتیجه، پایان، انجام. ع: خلخال، خاتمه، عقوبت، عاقبت. **conclusion, result, end, consequence.**

ت

تالانگر **talan-gar**: لوتقار، لوتونکی، تالاگر. پا: چپاولگر، غارتگر، تاراجگر. **plunderer.**

یادداشت: در این اثر، در الفبای پشتو، حرف های ث، ص، ض، ط، ظ، ف و ق وجود ندارند.

توجه: به باورم باید در زبان پارسی نیز حرف های هم آوا، مانند: ص و ث با س، ط با ت، ظ و ذ با ز، برای

ساده گی بیش تر در زبان نوشتاری، کار گرفته شود. این امر روشن هست که در زبان گفتاری این حرف ها به هیچ صورت، به گونه عربی تلفظ شده نمی توانند.

خوب یادم هست که هنگام کودکی در هرات، پیش از آن که وارد صنف مدخل شوم، پیش زنی که وی را خاتون می خواندند، و به گفته مردم مکتب خانگی داشت، الف زبراً، الف زیراً و الف پیش اُ را می خواندم. او هنگامی که به حرف های عربی به ویژه ص و ح رسید، با باور شگفت انگیزی که از سر ارادت به عربان، به ویژه رهبران دینی داشت می گفت که ص را به جز ابوبکر صدیق کسی دیگری با دقت تلفظ کرده نمی تواند. من که کودکی بیش نبودم، با شنیدن واژه صدیق به خود می بالیدم. او هنگامی ک حرف ح را می خواند به روشنی برای ما می گفت که این ح را زمانی می توان درست تلفظ نمود که ناف تان به پشت تان بچسپد. از این رو آن ح نافی می خواند و گاه گهی هم ح حلوا.

در این جا داستانی یادم آمد که ملایی، برای شاگردانش در مسجد، املائی گفت که در آن واژه صابون آمده بود. یکی از شاگردان آن را با س نوشته بود. ملا، بر او قهر شد که چرا صابون را به س نوشته هست. شاگرد که آدم هوشمندی بود، پرسید: ملا سایب، آیا اگر صابون به س نوشته شود، کف نمی کند؟

پ (p)

پاتری pata-more: پاتوری. پا: مرده ریگ. ع: موروثه، میراث. heritage

ت (te)

تاری taray: وند. پا: وند. ع: ضمیمه. affix

ج (je)

چاچ jaj: سوچ، مفهوم، اندیشه، انگار، برداشت، ع. فکر، تصور، استنباط، انطباق و مفهوم. چاپت capot: یادداشت، یادداشت، چوبخط.

note, memorandum

چ (چی ce)

چاپیریال caperyal: شاوخوا، چاپیرچل، د ژوند چاپیریال، ژویال. پا: محیط زیست. ع: ماحول. environment.

خ (زی je)

زازمن jaj-man: زازوری، زازوالا، قهر والا، غزناک، قهر ژلی، قاریدلی، قاروری. پا: قهرآلود. angry, furious, enraged

خ (سی ce)

سارگر car-gar: حارگری، حرکبه. پا. ع: جاسوس. spy

خ (خی xe)

خانواکی xan-wak-ki: خانخانی، خانی نظام. پا: نظام اربابی، اربابسالاری، خانسالاری. landlordism.

د (دی de)

داشت dad-est: مننه. پا، ع: اعتراف، اقرار. confession

پ (ډي de)

پاډا من dad-man ډاډه، خواتول، باوري، خوندي. پا: باورمند. ع: مطمئن. assured

ر (ري re)

رپی rapy: بیرغ، توغ. ء: بیرق، درفش، پرچم. ع: علم. flag

ر (پی re)

رنگ rang نور، وران، ویجار، له کاره وتلی یا ایستلی پارلمینت، حکومت... پا: منحل (پارلمان یا

حکومت). dissolved

ز (زی ze)

زاره پال zare-pal : زورپال، کهنه پیخ، کهنه کار، کهنه پرست، محافظه کار. old Fashioned,

consevitist

ژ (ژی ze)

ژباره zb-ara : ژب ارونه، یا راروننه پا: برگردان، ع. ترجمه. translation

ر (ژ. با نقطه هایی در بالا و پایین. که ژی ge)

زوی geway لووی. پا: گواه. ع: شاهد. eyewitness

س (سی se)

سابنی saba-ni : سابه والا، سابه پلورنکی یا خرچونکی. پا: سبزی فروش ترکاری فروش. green-

grocer

ش (شی se)

شاهزی sah - zoy : شاه لور، پ: شاهدخت. princess

ښ (xe)

شاخ xac: ویار، لویی، پ: سربلندی، خود بینی، خود پسندی، ع: غرور، فخر، مبالا، کبر و منی. pride

غ (غي ye)

غاره غرونه yara-yar-aw-ena : سر غرونه، غاره غرونگ، دده کول. پا: خودداری، پرهیز، سرپیچی.

ک (کی ke)

کابو kabu: حه ناحه. پا: نزدیک. مهلت. approximately

گ (گی ge)

گروم grum : ژورخپگان، د زره غوته. پا: دق، عقدۀ دل. complex, depression

ل (لی le)

لاتول lat - wal : پارکیوال، چندی، شاییر، شاییر. پا: شاعر، شعرگو، سروده گر و ناظم poet

م (لی le)

ماتمی mat-em-y: تاوان، گرمانه. ع: جریمه، غرامت، جبران خساره.

ن (نی ne)

نار na-ar : نارین، بی ارتیا. پا: بی نیاز، غیر محتاج. needles

و (وی we)

واریز war-iz: په نوبت، پ: نوبتی.ع: متناوب. in by turn

ه (هی he)

هاندی hand-i: زیارکش، خواریکش، زیارن، زیارمن.پا: کوشا، کوششی. toiler

ی (یی ye)

یاده یادی، یادشت.پا و ع: حافظه memory

توجه:

البته در برخی جای ها، اشتباه های چاپی رخ داده اند. امیدوارم در چاپ بعدی، درست گردند. به دید من، کار ترتیب این گونه واژه نامه بازسازی شده و نو، به صورت روشن بر اساس توان یک نهاد فرهنگی، مانند پشتو تولنه، صورت گرفته می تواند. اما، این نهاد در چنگال کسانی قرار دارد که به همان گروه های کهنه پیخ، سنتگرا، بنیادگرا و محافظه کار تعلق دارند و نی تنها در هوای این گونه کار های فرهنگی قرار دارند، بل، از همه وسیله ها بهره می گیرند، تا در برابر این گونه نگاه نو که بر خط دید زبانشناسانه استوار هست، سد سکندر ایجاد نمایند.

از این رو آقای داکتر زیار، یک تنه، مانند تک مبارز و تک تیراندازی، در این راه گام بر داشته است و از هفت خوان رستم گذشته تا این چاپ دوم را سر و سامان بدهد.

تا جایی که من می دانم، برخی گویشگران پشتو - با اندوه برخی جوانان - که در تالاب ساده نگری تا گلو غرق اند، نی تنها به جانبداری و حمایه از این کار سترگ، دست می زنند، بل، از هر گونه نشر و پخش این نواژه گان جلوگیری می نمایند یا با توطیه سکوت در برابرش قرار می گیرند. من در جال جهانی با تعداد زیاد از این جوانان پشتو زبان رو به رو شده ام. اینان نمی دانند که بدون این کار هر گز زبان پشتو به غنای و پُربار و لازمی دست نمی یابد و از کاروان پیشرفت، عقب و پس می ماند.

سنجه های این اثر:

لیکوال: پوهاند دکتور مجاور احمد زیار.

خپروندی: دانش خپرونده تولنه.

چاپ: دویم: ۲۰۱۲ع. لمړی چاپ: ۲۰۰۰ع.

چاپشمیر: هزار توکه.

بیاودن: پخپله لیکوال.

کمپوز: حبیب الله امانی.

این اثر را آقای اقبال عزیز، والی فرهنگ دوست لغمان به مناسبت هفتاد و پنجمین زاد روز داکتر زیار، تمویل نموده است.

من، از آقای زیار به خاطر این تحفه بی بدیل فرهنگی از ژرفای احساسم سپاس می نمایم.

شهر گت تینگن، جرمنی.

۱۳ ماه جولای ۲۰۱۶ع.